

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابراهیم بهمنی جلالی

لیتوگرافی و چاپ شاخه سبز قم

تلفن تماس: ۰۳۳۸۵۵۰۰۳ – تلفکس: ۰۲ ۳۳۸۵۵۰۰۳

آدرس: خیابان شهدا- نبش خیابان پاستور

سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و ورزشی

www.nasimnews.com



جنگی که دیپلماسی را نشکست؛ روایت یک سال ایستادگی خارجی

از میزهای مذاکره مسقط و ژنو تا راهروهای ساختمان وزارت خارجه، از تماس‌های نه‌چندان ایمن دیپلماتیک تا امضای یک سند سرنوشت‌ساز؛ همگی تیرهای روایتی از یک سال سخت در دیپلماسی ایران است. جایی که بارش مواشک‌ها و ترورهای متعدد، توانست دستگاه دیپلماسی را منفل کند و در این ۴۰ روز نه دیپلماتی از ایران گریخت، نه نشست خبری تعطیل و نه کانال‌های ارتباطی قطع شد.

نخستین گزارشی بررسی عملکرد وزارت امور خارجه در یک‌سالی که از عمر دولت چهاردهم گذشت، درباره تکاپوی موازی در عرصه‌های مختلف نظام بین‌الملل بود. این تکاپو اما از ۹ اسفند ۱۴۰۴ وارد عرصه تازه‌ای شد؛ عرصه‌ای که در آن وزارت امور خارجه و تمام ارکان و ظرفیت‌های آن تمام قد در کنار مردم و نیروهای نظامی کشور ایستاد تا از کیان ایران حراست کند. این گزارش به بررسی دورانی فشرده اما پر تلاطم از نیمه دی‌ماه ۱۴۰۴ تا شهریور ۱۴۰۵ می‌پردازد؛ دورانی که جنگی چهل روزه، آتش‌بس و تفاهمی شکنده را شاهد بودیم؛ از آخرین تلاش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از جنگ، تا ۴۰ روز جنگ نابرابر تا مسیر دشوار رسیدن به آتش‌بس و تفاهم اسلام‌آباد.

آخرین تلاش دیپلماتیک، پیش از سایه جنگ (نیمه دی تا ۹ اسفند ۱۴۰۴)

از نیمه دی‌ماه ۱۴۰۴، به واسطه برخی اعتراض‌های داخلی در ایران، فشارهای بین‌المللی بر ایران افزایش چشم‌گیر یافت و به بهانه‌ای برای آغاز سلسله تهدیدهای «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا علیه تهران تبدیل شد. تهدیدهایی که اغلب با ادعای حمایت از مردم ایران صورت می‌گرفت، با اعزام ناوهای جنگی و گسیل تسلیحات قابل توجه به منطقه جدی‌تر از همیشه شد تا کشورهای منطقه به تکاپوی جلوگیری از جنگی تا در غرب آسیا یابفتند. مجموعه این تلاش‌هایی که از سوی همسایگان ایران از جمله ترکیه و قطر آغاز شد؛ سرانجام دور تازه‌ای از گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و آمریکا را رقم زد که خرداد ماه همان سال با بمباران ایران از سوی رژیم اسرائیل و آمریکا ناتمام مانده بود. دور نخست مذاکرات با محوریت برنامه هسته‌ای ایران، به صورت غیرمستقیم و با میانجیگری «یدر البوسعیدی» وزیر خارجه عمان در حالی در مسقط عمان آغاز شد که از سوی ایران «سیدعباس عراقچی» پشت میز نشست و «استیو وینکاف» و «جرد کوشنر» نمایندگان ترامپ بودند. هیئت ایرانی، ۱۷ بهمن‌ماه راهی مسقط شد تا نخستین دور از سه دور مذاکرات فشرده را با میانجی‌گری آغاز کند. عراقچی پیش از ورود به این دور تأکید کرد ایران با چشمانی باز و بدون فراموش کردن رویدادهای سال گذشته وارد این مسیر می‌شود، با حسن‌نیت اما بدون کوتاه‌امدن از حقوق خود.

بمباران ایران در میانه گفت‌وگوهای دیپلماتیک بهار سال گذشته بر مذاکرات زمستان سایه سنگینی انداخته و میزان اعتماد ایران به گفته‌ها و خواسته‌های دوطرف را در کمترین میزان خود ترسیم کرده بود. با این همه اما تهران در تصمیم خود برای فرصت دادن به دیپلماسی مصمم بود و از این رو دور دوم مذاکرات این بار در ژنو سوئیس اما به میزبانی و میانجیگری سفارت و وزیر خارجه عمان برگزار شد. دور دوم، در فضایی که وزیر خارجه عمان آن را سازنده توصیف کرد، ۲۷ بهمن‌ماه برگزار شد.تیم ایرانی در همه این مراحل تأکید کرد که دامنه گفت‌وگوها محدود به برنامه هسته‌ای است و مسائلی مانند برنامه مواشکی یا سیاست منطقه‌ای ایران در دستور کار نیست. سرین به از نظر عراقچی جدی‌ترین دور مذاکرات، هفتم اسفندماه در ژنو و طی دو نشست صبح و عصر به‌مدت نزدیک به شش ساعت برگزار شد. وزیر خارجه پس از پایان این دور اعلام کرد ایران و آمریکا وارد عناصر اصلی یک توافق – هم در حوزه هسته‌ای و هم در حوزه ترافیک و تجارت – شده‌اند و قرار شد تیم‌های فنی از دوشنبه بعد کار خود را در وین آغاز کنند و دور چهارم ظرف یک هفته برگزار شود.

سه دور گفت‌وگوی میان ایران و آمریکا در حالی برگزار شد که نشانه‌هایی از عدم وجود اراده جدی در کاخ سفید برای به نتیجه رساندن آن وجود داشت و شاید مهمترین نشانه آن فرستادن تاجران املاکی چون وینکاف و کوشنر به مذاکراتی در این سطح به جای دیپلمات‌های آمریکایی بود. مجموعه این نشانه‌های سبب شد که وزیر خارجه عمان در پایان نشست سوم و با درکی که از روند مذاکرات به دست آورده بود؛ راهی واشنگتن شود و درباره سوحاسبه احتمالی آمریکا در قبال ایران هشدار دهد و هشداري که در آن مقطع از سوی «جی‌دی‌ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا جدی گرفته نشد تا بعدها، ونس برای بازگرداندن ایران به همان میز مذاکراتی، راه طولانی واشنگتن تا اسلام‌آباد را طی کند.

نشانه دیگری از عدم جدیت آمریکا در مذاکرات، همانگونه که اشاره شد؛ ارسال تجهیزات نظامی گسترده به منطقه بود که موجب شکل‌گیری تلاش‌های موازی دیگری از سوی کشورهای منطقه، برای جلوگیری از جنگ شد. در حالی که آمریکا نیروهای گسترده‌ای را به خاورمیانه اعزام کرده بود، مقامات کشورهای مختلف منطقه از طریق تماس‌های مکرر تلفنی با واشنگتن و تهران کوشیدند فضا را برای جلوگیری از جنگ حفظ کنند. مقام‌های وزارت خارجه در همین ایام

به‌طور مستقیم به آمریکا هشدار دادند که هرگونه اقدام نظامی هزینه‌های سنگینی به همراه خواهد داشت؛ هشدارهایی که در قالب بیانیه‌ها و تماس‌های دیپلماتیک با متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز منعکس شد تا زنجیره فشار برای بازداشتن واشنگتن از حمله کامل شود.عراقچی ۱۹ بهمن ماه در واکنش به آرایش نظامی آمریکا تأکید کرد که این حضور نظامی آن‌ها در منطقه ما را نمی‌ترساند. ما اهل دیپلماسی هستیم، اهل جنگ هم هستیم؛ اهل جنگ هستیم نه به این معنا که دنبال جنگ باشیم، اتفاقا اهل جنگیم و آماده جنگیم تا کسی جرأت نکند با ما بجنگد. اهل دیپلماسی هستیم چون اهل منطق هستیم، چون حرف داریم و منطق داریم.

ایستادگی دیپلماسی در بحبوحه جنگ چهل‌روزه



آنچه در چهل روز پس از آغاز جنگ بر دستگاه دیپلماسی ایران گذشت، بخشی است که به گفته خود وزیر امور خارجه، محک بسیار خوبی برای کارکرد این نهاد در شرایط بحرانی بود. عراقچی در بازخوانی آن روزها، رویدادی شخصی را نیز روایت کرد: «در روزی که برای ارائه گزارش مذاکرات ژنو به دفتر رهبر انقلاب رفته بودم، همان ساختمان هدف حمله قرار گرفت؛ بخشی از بنا تخریب شد اما من در سمت دیگر ساختمان جان سالم به در بردم».

به گفته او، «رهبر شهید با وجود فضای جنگی سنگین و استقرار گسترده نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، ترجیح داد در دفتر خود بماند و به پنانهگاه خود، ترورهای متعدد مقامات جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۴۰ روزه و اینکه هرآن امکان شهادت هریک از اعضای تیم دیپلماسی ایران وجود داشت، سبب نشد که ساختمان‌های وزارت امور خارجه در مرکز تهران تخلیه شود. به گفته وزیر امور خارجه از همان روز ابتدای جنگ همه وزارت خارجه در محل کار ماندند تا هر یک با شیوه‌ای صدای مظلومیت مردم ایران و روحیه مقاومت کشور را به گوش جهانیان برسانند.

عراقچی در مراسم گرامیداشت وزیران خارجه شهید کشور، با تأکید صریح از همکاران دفاع کرد و گفت که «در این دوره هیچ مسئولی، چه در تهران و چه در نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، نه از سمت خود استعفا داد، نه محل کارش را ترک کرد، نه به کشور دیگری پناهنده شد.» به گفته وی، حتی تلاش شد نام یک دیپلمات که ماه‌ها پیش از جنگ، ماموریتش به پایان رسیده بود، به‌عنوان نمونه‌ای از پناهندگی دیپلمات‌های ایرانی جا زده شود؛ اتهامی که به گفته

وزیر خارجه، بی‌پایه از آب درآمد. نشست‌های خبری سختگویی وزارت خارجه، برخلاف انتظار بسیاری، در بحبوحه بمباران‌ها تعطیل نشد. «اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه هر دوشنبه با وجود بمباران پایتخت، پاسخگوی پرسش‌های خبرنگاران بود تا مردم از تمام تصمیمات و اقدامات وزارت امور خارجه آگاه باشند.

مدیریت منطقه در میانه بحران

در میانه این بحران‌ها اما بیش از هر زمان دیگری نیاز بود تا موضوعی برای کشورهای همسایه ایران روشن شود و آن تفکیک میان اصول همجواری با مفهوم حراست از کیان کشور بود. آمریکا با سواستفاده از شرایط کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و با ادعای ایجاد امنیت برای آن‌ها، پایگاه‌های نظامی بزرگی در خاک آن‌ها ایجاد و برای حمله به همسایگان این کشورها استفاده می‌کرد. موضوعی که گرچه در جنگ‌های پیشین آمریکا در عراق و افغانستان چندان تبعاتی برای آن‌ها نداشت اما این‌بار تهران درباره این سواستفاده پیش از آغاز جنگ هشدارهای جدی به کشورهای منطقه داده بود؛ به گونه‌ای که رهبر شهید ایران در آخرین سخنرانی خود پیش از آغاز جنگ به صراحت اعلام کرده بود که آغاز جنگ علیه ایران به معنای آغاز جنگ در منطقه خواهد بود. این مهم را وزیر امور خارجه در گفت‌وگوهای خود با آمریکا و امرای این کشورها هم به صراحت و تأکید تکرار کرده بود.

از نخستین ساعات حمله نظامی آمریکا علیه ایران، پایگاه‌ها و مقرهای استقرار نیروهای آمریکایی در خاک این کشورها مورد حمله ایران قرار گرفت. این حملات با کفایت و کمیت متفاوتی به پایگاه‌های آمریکا صورت گرفت و گرچه در ابتدا تلاش‌هایی برای تثبیت این گزاره انجام می‌شد که تهران در حال حمله به همسایگان خود است اما تکرار قاطع و صریح و شفاف این

جنگی که دیپلماسی را نشکست؛ روایت یک سال ایستادگی خارجی

مهم که حملات به پایگاه‌های آمریکایی بوده و مطابق با قوانین جنگ است، سبب شد استدلال شماری از کشورهای همسایه درباره این موضوع با تردیدهایی مواجه شود.

از آتش‌بس شکنده تا تفاهم اسلام‌آباد

نخستین آتش‌بس میان ایران و آمریکا و رژیم اسرائیل، ۱۹ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ (۷ آوریل ۲۰۲۶) و به‌مدت دو هفته برقرار شد؛ آتش‌بسی که هدف آن، فرصت‌دادن به راهکارهای دیپلماتیک برای پایان قطعی جنگ بود و میانجی انتخاب شده برای این فرصت؛ پاکستان. انتخاب اسلام‌آباد به عنوان میانجی مذاکراتی از سوی دستگاه سیاست خارجی ایران، ریشه در عوامل بسیاری داشت که شاید مهمترین آن اعتماد هر دو طرف مذاکراتی به این کشور بود. ترامپ، «شهباز شریف» و «عاصم منیر» نخست‌وزیر و فرمانده ارتش پاکستان را می‌ستود و ایران هم به سبب نزدیکی‌های تاریخی و همسایگی و نیز سیاسی، به اسلام‌آباد اعتماد کرد. سه روز بعد، ۲۲ فروردین، نخستین دور مذاکرات مستقیم تهران-واشنگتن پس از آتش‌بس، در اسلام‌آباد پاکستان و به ریاست محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، در برابر هیئت آمریکایی به سرپرستی جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد؛ دوری که بدون توافق نهایی به پایان رسید اما مسیر گفت‌وگو را باز نگه داشت. در ادامه این روند و در پی دعوت رسمی پاکستان، وزیر امور خارجه شخصاً به اسلام‌آباد سفر کرد و در چهارم اردیبهشت‌ماه با نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و فرمانده ارتش پاکستان دیدار و گفت‌وگو کرد. اسحاق داری، وزیر خارجه پاکستان، در تماس‌های مکرر با عراقچی بر اهمیت گفت‌وگوی پایدار برای رسیدگی به مسائل معوقه و پیشبرد ثبات منطقه‌ای تأکید کرد.

آتش‌بس دو هفته‌ای اولیه، بیست‌ویکم فروردین از سوی رئیس‌جمهور آمریکا به‌صورت نامحدود تمدید شد؛ گامی که فضای لازم برای تکمیل مذاکرات فراهم کرد. سرانجام، پس از هفته‌ها رایزنی‌های فشرده، رفت و برگشت‌های متوالی و متعدد طرح‌های پیشنهادی، سفرهای مسئولان دو کشور و نیز سفرهای میانجیگران در ۲۸ خردادماه ۱۴۰۵ (۱۷-۱۸ ژوئن ۲۰۲۶)، یادداشت تفاهمی از سوی روسای جمهور دو کشور امضا شد که به سند اسلام‌آباد مشهور شد. سندی که مسعود پزشکیان در تهران و دونالد ترامپ در کاخ ورسای فرانسه (در جریان سفر به اروپا) امضا کردند.

چرا تفاهم اسلام‌آباد به نفع ایران بود؟

بررسی محتوای این سند ۱۴ بندی نشان می‌دهد که چرا پیشینه تحلیل‌گران و سیاستمداران آن را به نفع ایران و دستاوردی راهبردی دستگاه دیپلماسی ارزیابی می‌کنند. در این تفاهم آمریکا متعهد شد که به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران احترام گذاشته و در امور کشور دخالت نکند. بدنی که علاات تعهد آمریکا به عدم تلاش برای تغییر نظام یا مداخله مستقیم در امور داخلی ایران را رسمیت بخشید.بند ۸ این تفاهم، گفت‌وگو و تصمیم درباره برنامه هسته‌ای ایران را که ترامپ مدعی آغاز جنگ برای پایان دادن به آن بود؛ به مذاکراتی بین موکول کرد و ایران مذاکره درباره مواد غنی‌شده و آینده غنی‌سازی را به زمانی موکول کرد که میزان مشخصی از اعتماد به آمریکا را با اجرایی شدن بندهای تفاهم اسلام‌آباد ملاحظه کند.روند گام به گام و توالی اجرای بندها نیز به نفع ایران طراحی شده بود؛ به گونه‌ای که مذاکرات درباره باقی بندها منوط به اجرای بندهای ۱، ۴، ۵، ۱۰ و ۱۱ از سوی طرف مقابل شد؛ ترتیبی که اهرم فشار را در دست ایران برای پایبندی بهبندهایحمله آمریکا قرار می‌داد. بند چهاردهم هم پشتوانه محکمی برای این تفاهم بود تا تجربه بدعهدی‌های پیشین آمریکا تکرار نشود و توافق نهایی با قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل تأیید شود.آمریکا در این تفاهم، متعهد شد که محاصره دریایی و تحریم‌های اولیه و ثانویه علیه فروش نفت ایران را برادرار و دارایی‌های بلوکه شده تهران را آزاد کند. در بند ۵ این تفاهم هم مدیریت تنگه هرمز به دو کشور ساحلی آن یعنی ایران و عمان واگذار شد تا این تفاهم به در عمل به نفع ایران بسته شود. دقیقاً به همین دلایل در هفته‌های بعد، فشار برای دور زدن یا تضعیف این تفاهم از سوی واشنگتن آغاز شد؛ روندی که در قالب اصرار بر تعریف مسیرهای جایگزین برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز (که ناقض بند پنجم تفاهم‌نامه بود) از نیمه تیرماه ۱۴۰۵ آشکار شد و به تعبیر دستگاه دیپلماسی این تفاهم را به کما برد.در نهایت مرور این دوره فشرده و پرچادته، از آخرین تلاش دیپلماتیک پیش از جنگ، تا پایبندی دستگاه دیپلماسی در میانه بمباران‌ها، تا رسیدن به یک تفاهم‌نامه ۱۴ بندی که ساختار حقوقی نسبتاً مستحکمی برای منافع ایران فراهم کرد؛ نشان می‌دهد وزارت امور خارجه در کنار سایر ارکان حاکمیت و نیروهای مسلح و در کنار مردم، در یکی از دشوارترین برهه‌های تاریخ معاصر ایران ایستاد. تداوم کار دیپلماتیک حتی در روزهایی که ساختمان‌های حکومتی هدف حمله مستقیم قرار داشتند، و دستپای به توافقی که دست‌کم در سند: تعادل نسبی میان دو طرف برقرار می‌کرد، دو محک اصلی برای سنجش عملکرد این نهاد در شرایط جنگی است که به نظر می‌رسد وزارت امور خارجه در هر دو این موارد سربلند بیرون آمد.

حرفه‌ای امنیتی به نام فیلتر شکن؛ بازار ۱۲ هزار میلیاردی به جیب چه کسانی می‌رود؟

است: رقمی که به گفته او مشخص نیست به جیب چه کسانی می‌رود. از سوی دیگر، گزارش انجمن تجارت الکترونیک تهران نشان می‌دهد قطعی ۲۲ روزه اینترنت در دی‌ماه ۱۴۰۴، روزانه بیش از ۵ هزار میلیارد تومان به کشور آسیب زده است. بر اساس همین گزارش، ایران از نظر کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور، در رتبه پنجم بدترین وضعیت قرار دارد. آمارهای منتشرشده همچنین نشان می‌دهد ۹۳۸ درصد کاربران ایرانی زیر ۳۰ سال از فیلترشکن استفاده می‌کنند و ۸۲ درصد مردم برای انجام امور روزمره خود به VPN نیاز دارند. حدود ۳۰ درصد کاربران فیلترشکن نیز کودکان و نوجوانان هستند. در واقع، فیلترینگ علاوه بر ایجاد محدودیت برای کاربران، یک اقتصاد موازی نیز شکل داده است: کاربر ابتدا هزینه اینترنت می‌پردازد و سپس برای عبور از محدودیت همان اینترنت، هزینه دیگری برای فیلترشکن پرداخت می‌کند. اکنون با توجه به هشدارهای امنیتی درباره فیلترشکن‌ها و گردش مالی چند هزار میلیارد تومانی این بازار، این پرسش همچنان مطرح است که سود این بازار به جیب چه کسانی می‌رود و چرا با وجود هشدارهای امنیتی، ساماندهی آن همچنان بلاتکلیف مانده است؟

اگرچه توانست محدودیت واتساپ و گوگل‌پلی را کاهش دهد، اما روند رفع فیلترینگ سایر پلتفرم‌ها به دلایل مختلف متوقف شد.در این میان، برخی علت تداوم فیلترینگ را منافع اقتصادی بازار فیلتر شکن می‌دانند. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات دولت دوازدهم، نیز پیش‌تر از گردش مالی



قابل توجه فروش فیلترشکن و وجود افراد پشت این بازار سخن گفته بود.

بازار چند هزار میلیاردی فیلتر شکن

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری اخیرا اعلام کرده است درآمد حاصل از فروش فیلترشکن بین ۷ تا ۱۲ هزار میلیارد تومان

دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵
اذان صبح: ۰۴:۳۱
طلوع آفتاب: ۰۵:۴۷
اذان ظهر: ۱۲:۰۷
غروب آفتاب: ۱۸:۲۸
اذان مغرب: ۱۸:۴۷
نیمه شب: ۲۳:۲۵

آفتابی

nasimgilan۷۶@yahoo.com

دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ - ۱۸ ربيع الاول ۱۴۴۸ - ۳۱ آگوست ۲۰۲۶ - شماره ۷۸۲۵

افقه هشدار داد

شوک درمانی با ارز و بنزین، اقتصاد را نجات نمی‌دهد/ مالیات به جای شوک درمانی



افقه تأکید کرد: توصیه اکید من به دولت این است که اکنون زمان افزایش قیمت هیچ کالایی نیست؛ چه بنزین و چه سایر کالاها و خدمات عمومی.

وی ادامه داد: محدودیت مالی دولت واقعی است، اما نباید تمام فشارها به مردم، به‌خصوص اقشار فرودست، منتقل شود. حتی دهک‌های ششم و هفتم را نیز می‌توان در شمار اقشار کم‌درآمد قرار داد.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به تجربه سال‌های گذشته گفت: برخلاف دیدگاه برخی اقتصادخوانده‌های سطحی‌نگر، افزایش نرخ بنزین یا ارز لزوماً اقتصاد را به تعادل نمی‌رساند و تجربه گذشته شکست این سیاست‌ها را نشان داده است. این یک هشدار جدی به رئیس‌جمهوری است که باید از سیاست گران‌سازی دست بردارد.

مالیات به جای شوک‌درمانی

افقه راه تأمین منابع دولت را افزایش مالیات از صاحبان درآمد و ثروت دانست و گفت: به جای شوک‌درمانی باید از نهادهایی که از مالیات معاف هستند اما درآمد دارند، مالیات دریافت شود. همچنین دولت باید سیاست‌های حمایتی مانند کالاپرگ را گسترش دهد.

وی پیشنهاد کرد، در صورت دسترسی به اطلاعات دقیق، دهک‌های بالاتر، به‌ویژه دهک دهم، از دریافت کالاپرگ حذف شوند و منابع آزادشده برای حمایت بیشتر از دهک‌های پایین اختصاص یابد.

این استاد اقتصاد همچنین بر کاهش هزینه‌های زائد دولت تأکید کرد و گفت: به جای افزایش قیمت بنزین برای جبران کسری منابع، باید از طریق مالیات‌گیری از ابرتروتمندان و کاهش هزینه‌های زائد، کمبود منابع را مدیریت کرد.

آمریکا نمی‌تواند به‌راحتی ایران را منزوی کند

افقه درباره تلاش آمریکا برای انزوای ایران نیز گفت: درباره موفقیت آمریکا در این زمینه تردیدهایی جدی وجود دارد. ایران طی هفت یا هشت سال گذشته با تحریم‌ها مواجه بوده و توانسته تا حدی آنها را دور بزند یا از شدت آثارشان بکاهد.وی افزود: رویکرد چین و روسیه و میزان همراهی کشورهای دیگر با آمریکا در نتیجه نهایی مؤثر است و تصور نمی‌کنم آمریکا بتواند به اهداف خود برای انزوای ایران دست پیدا کند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

معیشت و اقتصاد مردم، حیاتی‌ترین مسئله در شرایط جنگی است



به اصلاحات قیمتی است، سازمان بازرسی باید نظارتی جدی داشته باشد. در این راستا، گزارش‌ها و پیگیری‌های سازمان در موضوعاتی نظیر اصلاح قیمت بنزین بسیار حائز اهمیت است و دغدغه‌های صاحب‌نظران در این زمینه باید به‌صورت جدی مورد تدبیر قرار گیرد.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور همچنین با تأکید بر ضرورت توجه به اولویت‌ها در برنامه‌های بلندمدت، اظهار داشت که در سند چشم‌انداز باید اولولیت‌ها به‌وضوح مشخص شده و برای هر یک، برنامه‌ای با زمان‌بندی متناسب تدوین و دنبال شود.

وی با الگوبرداری از تجربه کشورهای توسعه‌یافته، به سند چشم‌انداز ۵۰ ساله ژاپن اشاره کرد و سه راهبرد کلیدی آن را شامل حذف قوانین تاکارآمد، شناسایی فرآیندهای ناکارآمد و جایگزینی مدیران برشمرد.

چین:

تحریم‌های آمریکا علیه ایران نظم اقتصادی جهان را تهدید می‌کند



مشروع سایر کشورها آسیب می‌رساند. وظیفه فوری، تسهیل کاهش تنش در اوضاع و بازگشت به گفتگو و مذاکره و اسرع وقت است. چین تمام تلاش لازم را برای حفاظت قاطع از حقوق و منافع خود انجام خواهد داد.